



لزوم تغییر سیاست استراتژیک و ژئوپولیتیک دولت بایدن

به قلم دکتر فریبرز صارمی پژوهشگر روابط بین الملل

در اواخر سال ۱۹۷۹، پس از دستگیری گروگان‌های آمریکایی در ایران و حمله شوروی به افغانستان، اعتبار ایالات متحده در خاورمیانه به شدت کاهش یافت. کارتر با سخنرانی در ژانویه ۱۹۸۰ و اعلام چیزی پاسخ داد که به دکتربین کارتر برای خلیج فارس معروف شد. امروز، دکتربین بایدن باید صراحتاً ایالات متحده را به استفاده از همه عناصر قدرت ملی، از جمله زور، برای دفاع از منافع خود در خاورمیانه در برابر مواردی مانند تلاش ایران برای دستیابی به توانمندی سلاح‌های هسته‌ای و هژمونی منطقه‌ای و همچنین محدود کردن نفوذ شوروانه روسیه و چین به منطقه، متعهد کند. جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده در طول سفر خود به اسرائیل و عربستان سعودی در این هفته به دنبال این است که به شرکای دیرینه خود اطمینان دهد که ایالات متحده به ثبات و امنیت منطقه متعهد است. اما واقعیت اینک تقریباً هیچ کس حرفش را باور نمی‌کند. صدمات انباشته‌ای که در طول بیش از یک دهه به دلیل سیاست‌های رؤسای جمهوری از هر دو حزب به خاورمیانه وارد شده، بسیار زیاد است. صرف حضور او برای جلوگیری از پوسیدگی فزاینده در نظم امنیتی خاورمیانه به رهبری ایالات متحده کافی نخواهد بود، نظمی که در بیش از نیم قرن گذشته، ثبات منطقه را تضمین کرده بود. اگر بایدن واقعاً به دنبال جلوگیری از کاهش اعتبار و بازدارندگی ایالات متحده باشد، باید فراتر از عکس و صحبت‌های خوشحال‌کننده مقاله اخیرش در واشنگتن پست برود و روشن کند که سفر او آغاز اقداماتی بیشتر و تغییر اساسی در استراتژی ایالات متحده در زمینه تعدیل نیرو و تعهد مجدد به امنیت منطقه است. چنین کاری آسان نخواهد بود. جدایی ایالات متحده از منطقه در بسیاری جهات در طول ۱۷ ماه اول ریاست جمهوری بایدن به اوج خود رسیده است. عقب‌نشینی فاجعه بار از افغانستان، که هزاران متحد ایالات متحده را در پشت خطوط دشمن گیر انداخته است، اصلی‌ترین نمونه بود. به ویژه برای رژیم‌های آسیب پذیر عربی که به طور تاریخی بخش عمده‌ای از امنیت خود را بر روی قدرت، قابلیت اطمینان و حمایت ابرقدرتی ایالات متحده استوار کرده‌اند. اما لیست مشکلات بسیار طولانی‌تر است. از جمله تعهد بایدن برای "مطرود" کردن عربستان سعودی، قدیمی‌ترین و با نفوذترین شریک عرب واشنگتن، به دلیل مسئولیت ولیعهد محمد بن سلمان در قتل هولناک جمال خاشقجی، روزنامه‌نگار مستقر در آمریکا؛ تعلیق فروش تسلیحات به عربستان سعودی و امارات متحده عربی در میانه جنگ آن‌ها علیه شورشیان حوثی تحت حمایت ایران در یمن؛ خروج تجهیزات دفاع هوایی ایالات متحده از خلیج فارس دقیقاً در زمانی که حملات پهپادی و موشکی حوثی‌ها به مراکز جمعیتی و زیرساخت‌های حیاتی عربستان در اوج بود و امتناع از پاسخ، یا پاسخ ناکافی، نه تنها به دهه‌ها حمله تحت حمایت ایران به سربازان و دیپلمات‌های ایالات متحده، بلکه به حملات بی سابقه هواپیماهای بدون سرنشین و موشکی علیه متحدان دیرینه‌ای مانند امارات متحده عربی. بدتر از همه، تلاش بی پایان دولت برای ورود مجدد ایران به توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ بود.



بسیاری از قدرتمندترین دوستان منطقه‌ای واشنگتن - از جمله سعودی‌ها، اماراتی‌ها و اسرائیلی‌ها - با این توافق به‌عنوان دستورالعملی مطمئن برای قدرتمند کردن ایران و تقویت برنامه تجاوز منطقه‌ای آن مخالفت می‌کنند. بسیاری مسایل باید حل شود. گزارش‌ها به‌طور تکان‌دهنده‌ای نشان از وخامت روابط داشت به شکلی که نه تنها محمد بن سلمان، درخواست‌های بایدن را برای افزایش تولید نفت برای کمک به مهار تورم سرسام‌آور آمریکا در مواجهه با تهاجم روسیه به اوکراین را نپذیرفت بلکه حتی از پاسخ به تماس بایدن برای بحث در مورد این موضوع نیز خودداری کرد. روابط رو به گسترش عربستان و امارات با روسیه و چین - از توافق نامه‌های همکاری نظامی، خرید تسلیحات، و قراردادهای تولید موشک‌های بالستیک گرفته تا ساخت پایگاه‌های دریایی مخفی، دستیابی به فناوری G5 هوآوی، و تهدید به فروش نفت به چین به یوان هرچند کمتر خبرساز شدند، اما به همان اندازه نگران کننده بود. بایدن که خود را درگیر مسابقه‌ای مرگبار با روسیه بر سر بازارهای جهانی انرژی کرده بود، ناگهان به بدترین شکل ممکن از خواب بیدار و متوجه شد عربستان سعودی، مهمترین تولیدکننده نفت جهان و شریک استراتژیک تقریباً ۸۰ ساله، دیگر به شکل قابل اتکا در کنار ایالات متحده قرار ندارد. تلاش‌های او برای تنزل رتبه و تحقیر روابط با ریاض نتیجه معکوس داشت و به طور فعال به منافع ایالات متحده در یکی از بدترین بحران‌های سیاست خارجی ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم آسیب وارد کرد. همین مسئله به درک تصمیم دشوار بایدن برای سفر به عربستان و تلاش برای جبران خسارت، علی‌رغم اعتراضات گسترده در حزیش، کمک می‌کند. اما اگرچه ممکن است به تماس‌های تلفنی بایدن در آینده پاسخ داده شود، اما بعید است که این دیدار به تنهایی برای مقابله با تهدید بلندمدت واقعی برای قدرت و نفوذ ایالات متحده در خاورمیانه کافی باشد: کاهش آهسته اعتبار ایالات متحده به عنوان تنها عامل امنیت در مهمترین منطقه تامین انرژی جهان، عدم اعتماد به واشنگتن را افزایش داده است. صرفاً تعدیل توازن سیاست‌های فعلی بایدن - به شکل مامشات کمتر با ایران، خصومت کمتر با سعودی‌ها - بعید است که نگرانی‌های عمیق در مورد تعهد استراتژیک واشنگتن به منطقه را حفظ کند. تصور عمومی آن است که ایالات متحده به طور غیرقابل برگشتی در حال حذف خود از نقش تاریخی در مرکز معادلات امنیتی خاورمیانه است. تغییر این تصویر به این شکل دیر هنگام، احتمالاً به اقدامات شدیدتری نیاز دارد. مثلاً چه اقدامی؟ یک الگوی مناسب، رییس جمهور سابق جیمی کارتر است. در اواخر سال ۱۹۷۹، پس از دستگیری گروگان‌های آمریکایی در ایران و حمله شوروی به افغانستان، اعتبار ایالات متحده در خاورمیانه به شدت کاهش یافت. کارتر با سخنرانی در ژانویه ۱۹۸۰ و اعلام چیزی پاسخ داد که به دکتترین کارتر برای خلیج فارس معروف شد. امروز، دکتترین بایدن باید صراحتاً ایالات متحده را به استفاده از همه عناصر قدرت ملی، از جمله زور، برای دفاع از منافع خود در خاورمیانه در برابر مواردی مانند تلاش ایران برای دستیابی به توانمندی سلاح‌های هسته‌ای و هژمونی منطقه‌ای و همچنین محدود کردن نفوذ شورانه روسیه و چین به منطقه، متعهد کند.



در این دکترین جدید بر اولویت حمایت قوی از قدرتمندترین شرکای ایالات متحده - اسرائیل، عربستان سعودی و سایر کشورهای جهان عرب - برای ایجاد یک سیستم اتحاد جدید به رهبری ایالات متحده برای مقابله مشترک با تهدیدات مشترک تأکید می‌شود. به عنوان بخشی از معامله، بایدن باید اصرار کند تا همکاری نگران‌کننده شرکای منطقه‌ای ایالات متحده با روسیه و چین باید متوقف شود. اگر واشنگتن به شکل قانع‌کننده‌ای به دفاع از امنیت منطقه متعهد شود، دیگر ضرورتی برای این هم‌پوشانی با دیگر قدرت‌های بزرگ وجود ندارد. در عصر تجدید رقابت قدرت‌های بزرگ، از جمله آغاز یک جنگ بزرگ، بی‌طرفی متحدان ایالات متحده در مورد تهدیدهای حیاتی علیه نظم بین‌المللی نباید قابل قبول باشد. این سازمان آگاهانه و بدون تردید به دنبال رد روایت غالب دهه گذشته درباره خروج ایالات متحده از یکی از بحرانی‌ترین مناطق جهان است. صریحاً اعلام می‌کند که روزهای دور شدن ایالات متحده از خاورمیانه - نسنجیده، نابخردانه و خطرناک - رسماً به پایان رسیده است. اما نگران نباشید، دلیلی نیست که تصور کنیم بایدن از پس این کار برخوردار است. مقاله آخر هفته او شامل فهرستی از ادعاهای مشکوک مبنی بر آن بود که سیاست‌هایش چقدر اوضاع را در منطقه بهتر کرده است. در مورد کارتر هم، مشاوران سیاسی بایدن بدون شک هرگونه احتمال مقایسه او با آخرین رئیس جمهور دموکرات کشور را از بین می‌برند که نتوانست در دومین دور انتخابات پیروز شود. با این حال، دکترین کارتر به یکی از مهم‌ترین ابتکارات سیاست خارجی در ۵۰ سال گذشته تبدیل شد و مدت‌ها پس از خروج کارتر از کاخ سفید، سنگ بنای استراتژی ایالات متحده در خاورمیانه باقی ماند. در حالیکه بایدن ایالات متحده را برای یک جنگ سرد جدید علیه چین در حال ظهور و روسیه بدخواه آماده می‌کند و با توجه به افزایش اهمیت اطمینان از اینکه کشورهای محوری خاورمیانه نفت‌خیز به طور محکم و قابل اعتماد در اردوگاه ایالات متحده باقی می‌مانند، بایدن باید این کار را انجام دهد. احیای دکترین کارتر به بازگشت ایالات متحده به مسیر مبارزه نسل آینده علیه خطرناک‌ترین دشمنانش کمک می‌کند.

دکتر فریبرز صارمی پژوهشگر روابط بین الملل و هماهنگ کننده جنبش وحدت ملی ایرانیان

هامبورگ - ۱۴ جولای ۲۰۲۲